

مدرسه ابتدایی درپسا کرونا

« با تاملی بر مشکلات دانش آموزان ابتدایی در فرآیند یادگیری سیار (فضای مجازی) »

راحله محمدی – کارشناس آموزش و پرورش

Raheleh Mohammadi53@gmail.com

چکیده

کرونا تأثیرات زیادی بر سبک زندگی و شیوه های آموزشی گذاشت و در کنار ایجاد برخی از فرصت های جدیدالوقوع، مشکلات عدیده ای از وجوه مختلف برای دانش آموزان، بویژه دانش آموزان دوره ی پراهمیت ابتدایی ایجاد کرد و این مسئله مطرح شد که « مدرسه ابتدایی درپسا کرونا چه باید بکند که با شناسایی مشکلات و پیامدهای دوره کرونا به راه های حل آن چالش ها دست یابد و به تبع آن بارفع کاستی ها مهیا و پذیرای دانش آموزان باشد؟ » در پاسخ به این سوال پژوهشگر با همکاری حوزه معاونت ابتدایی شهر تهران با روش شبه دلفی نظرات تخصصی کارشناسان حوزه ی ابتدایی مناطق نوزدهگانه ی شهر تهران، آموزگاران، اولیا و مدیران نخبه ی تعدادی از مدارس با مضمون احصا و برشماری مشکلات حاکم بر روش یادگیری سیار و فضای مجازی و آموزش های ترکیبی و هیبریدی را گرد آوری نموده و براساس آن از حیث نیروی انسانی مدرسه، دانش آموز، اولیا، برنامه درسی و ... به راهکارهای موثر جهت آماده شدن مدرسه پسا کرونا پرداخته است. روش این تحقیق توصیفی و از نوع پژوهش کاربردی می باشد. یافته ها حاکی از بروز مشکلات در ساختار فیزیکی و بدنی، روحیات و خلیات و منش اجتماعی و فردی دانش آموزان در دوره کرونا داشته که تبعات آن در مدرسه پسا کرونا مشهود است و این مدرسه می بایست با در نظر گرفتن نقش اولیا و روشهای خانواده، شیوه های یادگیری درسی، امکانات سخت افزاری و فناوری در خانه و مدرسه، میزان سواد رسانه ای، سطح توانمندی معلمان در موقعیت جدید آموزشی، محتوا و برنامه ی درسی، محیط یادگیری و شیوه های ارزشیابی خود را برای ارائه خدمات به دانش آموزان با موقعیت جدید آماده کند.

واژه های کلیدی: دانش آموز، فضای مجازی، یادگیری سیار، مدرسه ابتدایی پسا کرونا

آسیب شناسی فضای مجازی خاصه در دوره ابتدایی موضوع مهمی است. باهدف کیفیت بخشی به آموزش دانش آموزان درمدرسه پسا کرونا پژوهشگر با بهره مندی از اطلاعات بسته ترمیمی پسا کرونا تولید شده در حوزه معاونت ابتدایی شهر تهران به ترسیم وضع مطلوب مدرسه ابتدایی در پسا کرونا پرداخته و در این گزارش یافته ها و نقطه نظرات خبرگان و صاحب نظران گرد آوری و ارائه شده است. درپیشبرد این طرح پژوهشی به یک سری مولفه از آنجمله دانش آموز، کارکنان مدرسه، اولیا، محیط یادگیری، فناوری، ارزشیابی و برنامه درسی و... اشاره شده که هرکدام باید مورد واکاوی و نقش هریک از منظر آسیب های یادگیری مجازی مورد مذاقه قرار گیرد.

دانش آموزان درشرایطی وارد دنیای مجازی شدند که اطلاعات، آگاهی، تسلط، سواد و شناخت دقیقی از فضای جدید و سواد دیجیتال نداشتند و این موجب شد که بچه ها از کلاس و مدرسه و زمان خود فاصله بگیرند و ماهیت آموزش فرازمانی و فرامکانی فضای مجازی باعث شد آنها در همه ی فضاهای مجازی سیر کنند و این دغدغه که هویت فردی و جمعی آنان در پهنای این سیر افراطی چه شکلی گرفت هنوز در ابهام است. نکته ی بعدی این است که بچه ها باید دائماً از ساخته ها و تجارب قبلی ایده ی جدید بگیرند و بنا به آن ساخت شناسی حوزه های شناخت جدیدی برایشان ایجاد شود. مصداق این است که دانش آموزان پایه اول شناختی از مدرسه نداشتند و این رخداد تداوم کار را سخت کرد. ایجاد مشکلات جسمی، عاطفی، اجتماعی و مهارتی بر اساس قرنطینه ی خانگی و یادگیری سیار مشهود بود که این اتفاق ضرورت پرداختن به مشکلات فضای مجازی را دوچندان کرد. افت تحصیلی در شرایط کرونا بیشتر شد و بچه های بازمانده از تحصیل در مناطق حاشیه احتیاج به نگاه ویژه داشتند. بچه ها در حوزه ی ارزشیابی و یادگیری به مادرشان وابستگی افراطی پیدا کردند و حضور درمدرسه و ارزشیابی برایشان سخت شد و این آسیب یک دست انداز جدی و قابل تامل است که پسا کرونا را متاثر می کند. مولفه بعدی قابل بررسی درمدرسه پسا کرونا کارکنان و آموزگاران هستند که باید مهارت های ادراکی و نگرشی خود را نسبت به فضای مجازی که چیست و چرا باید و چگونه باید باشد ارتقایی دادند. تلاش های معلمان ستودنی بود اما در فضای کاملاً ناشناخته که فرصت یادگیری، طراحی آموزشی و تمرین روش های ترکیبی و هیبریدی پیش نیامد این فشار معلمان را دچار فرسودگی نمود و عدم تغییر و متناسب سازی نقش معلمان در فضای مجازی نسبت به دوره حضور درمدرسه تکانه های شدیدی ایجاد نمود. در دوره ی آموزش های مجازی کلاسها شیشه ای شد قضاوت ها و نقدها رونق گرفت اما گاهی تبدیل شدن این روال به مداخلات افراطی و غیر کارشناسانه ی اولیا مشکل ساز شد که درمدرسه پسا کرونا باید تعدیل شود. در دوره ی یادگیری سیار، مشکلات روحی و جسمی برای معلمان ایجاد بچه ها بدون رعایت زمان برای معلم پیام می دادند و آموزگار با مهربانی پاسخ می داد که گاه در خانواده معلم موجب آسیب می شد. سومین مولفه در ترسیم مدرسه پسا کرونا اولیا هستند. سطح سواد دیجیتال اولیا یک عامل قابل تامل بود و در پسا کرونا نیز موثر است چرا که اولیا امروز در آموزش و یادگیری مشارکت دارند و در تربیت سهیم هستند. لذا باید تسلط دیجیتال داشته باشند و نظارتها سلبی نباشد بلکه سازنده باشد. در دوره ی آموزش مجازی مادران دستیار معلم بودند و اگر این کمک نبود ماموریت معلم به سختی جلو می رفت. فقط سوال این است این همیاری فقط در جهت انتقال دانش و معلومات بود و یا تربیت هم ملاک بوده است. برخی از اولیا در حاشیه ی شهر و مدارس لازم التوجه حتی سواد خواندن نداشتند از منظری دیگر، محیط یادگیری، فرصتها، موقعیتهای و فضاهای آموزشی در فرایند آموزش سیار محدود بود. موقعیتهای

تربیتی مدرسه بی بدیل است بچه ها در مدرسه باهم بازی کردن، باهم حرف زدن رایادمی گیرند. باهم مدارا، همکاری، سازگاری و توافق کردن را تمرین می کنند و مدیریت زمان را یادمی گیرند. بنا بر تهدید و آسیب ایجاد شده بچه ها فرصت باهم بودن را از دست دادند. نمازخانه مدرسه یک موقعیت تربیتی است. سرویس دانش آموزی و کانون ها و پژوهشسراها و .. محیط های یادگیری خوبی هستند که در دوره یادگیری سیار بدون استفاده ماندند. در این دوره ی آموزش مجازی، گردش های علمی و اردوها حذف شد و بچه ها خانه نشین شدند. مولفه بعدی محتوا و برنامه درسی است. در شرایط یادگیری سیار، محتواهای الکترونیک بسیاری تولید شد. محتوا باید دو خصیصه مهم داشته باشد یکی اینکه در زمینه جذاب ارائه شود و دیگر اینکه عاطفه ی بچه ها را برانگیزد و تکانه ی جدید ایجاد کند. (دانیل هپینگ، ۱۳۹۸) اینکه مجموعه ی فایل های الکترونیک واجد این دو معیار هستند یا خیر جای سوال است.

معلمان عقیده دارند که طراحی درس و محتوا وقت، انرژی و حوصله می خواهد و بین رویه ی یادگیری سیار و حجم زیاد محتوا نسبت معقولی برقرار نبود و حجم درسی قبل از کرونا در دوره کرونا هم تکرار شد. با این مقدمه ضرورت و اهمیت پرداختن به مشکلات آموزش مجازی به ویژه در دوره ابتدایی عیان است تا با واکاوی و بررسی دقیق هدف بهبود شرایط و کیفیت بخشی در مدرسه پسا کرونا محقق شود. اگرچه طی دو سال همه گیری کرونا مقالات و پژوهش های مختلفی با موضوع این تحقیق انجام و ثبت شده و پیشینه ی نظری قابل توجهی موجود است اما پژوهشگر با کمک تیم ابتدایی شهر تهران با مورد مطالعه قرارداد این پیشینه و تاسی به مبانی نظری سند تحول بنیادین که مرجع و محکمت نظام تعلیم و تربیت است با دوروش دلفی و بارش مغزی و براساس « تجربه ی زیسته » معلمان و مدیران و ... این مجموعه را گردآوری نموده است.

روش تحقیق

مخاطب و ذینفع یافته های این پژوهش دانش آموزان دوره ی ابتدایی شهر تهران هستند تا با احصا مشکلات آموزش مجازی و اعمال راهکارهای موثر توسط دست اندرکاران نظام آموزشی در بستر اشتراک مساعی با خانواده و دیگر عوامل سهیم و موثر در فرایند تربیت برای دوره ی پسا کرونا آماده شده و آسیبهها تا حد امکان به حداقل برسد. جامعه ی آماری معاونان آموزش ابتدایی مناطق ۱۹ گانه ی شهر تهران کارشناسان، مدیران خبره ی مدارس از هر منطقه ۱۰ نفر و نماینده ی هسته مرکزی انجمن اولیا و مربیان و اساتید دانشگاهی هستند که بصورت شبکه ای در سطح مدارس بیان مسئله نموده و ضمن توجیه آموزگاران، اولیا و دانش آموزان، نقطه نظرات آنان را گردآوری نمودند. سپس با روش دلفی و جمع آوری نسخ مکتوب پاسخ گویی به سوالات مطروحه و در پی آن با روش بارش مغزی و باتکیه بر تجربه ی زیسته ی نیروی انسانی سهیم و تاثیرگذار در فرایند یادگیری سیار به تنظیم گزارش تحقیق پرداخته شد. روش نمونه گیری انتخابی آگاهانه می باشد و روایی و پایایی یافته ها با واقعیت موجود در مدارس که کاملا مصداق عینی دارد تامین و تضمین می شود. یافته ها

در این بخش، یافته های پژوهشی از دو منظر نیروی انسانی شامل « مدیران و آموزگاران، اولیا و دانش آموزان » و « برنامه ی درسی » بعنوان مولفه های قابل بررسی در احصا مشکلات فضای مجازی و یادگیری سیار دانش آموزان ابتدایی در قالب ترسیم وضعیت موجود، و راهکارهای پیشنهادی حل آسیب ها ارائه می گردد.

(۱) مدرسه پسا کرونا از حیث نیروی انسانی (مدیر-آموزگار و...)

الف) تامین به هنگام نیروی انسانی کارآمد و ساماندهی مطلوب لراساس صلاحیت های حرفه ای معلمان و کاهش مشکلات نقل و انتقالات و سامانه های صدور ابلاغ و... همواره دغدغه مدیران مدارس بوده است و از بعد کیفیت، آماده سازی نیروی انسانی به ویژه آموزگاران ورودی سال تحصیلی جدید و توانمند سازی آن ها از چالش های اساسی موجود است که اجرای دوره های ضمن خدمت از کارایی و کیفیت مطلوب برخوردار نیست. معاونان آموزشی مدارس نقش کمتری در فرایند تعلیم و تربیت دارند و تمرکز آن ها بیشتر به امور روزمره معطوف است. در دوره های آموزشی طی شده در دانشگاه فرهنگیان و ... تاکید بر آموزش های نظری و تئوری است و اکنون که معلمان در شرایط واقعی تربیت و یادگیری دانش آموزان قرار دارند، نیازمند تجربه اندوزی از طریق طرح های موفق چون کارآمد، درس پژوهی و اجرای کارگاه های عملی هستند.

اهم راهکارهای حل مشکلات فوق، در نظر گرفتن مشوق های لازم برای رشد و ارتقای توانمندی معلمان؛ نقش دهی بیشتر به معاون آموزشی مدارس در برنامه ریزی، نظارت، ارزیابی و کنترل فرایند های تربیت و یادگیری، تجدیدنظر در جذب معلمان و شیوه های آن، پیش بینی رویه مشخص و روشنی برای ساماندهی موثر نیروهای ناکارآمد و بی انگیزه و ناتوان و ارتقاء توانمندی آن ها، انتصاب مدیران براساس شایسته سالاری و توانمندسازی مدیران و عوامل اجرایی مدارس از طریق مطالعه، برگزاری کارگاه ها و نشست های علمی و روشهای تجربه گردانی به صورت مداوم و اجرای کارگاه های عملی و توسعه ی طرح کارآمد (ضمن خدمت درون مدرسه ای) می باشد.

ب) شان و جایگاه آموزگاران و به ویژه در نزد دانش آموزان و خانواده ها افول کرده است و به همین دلیل معلمان ما نسبت به شرایط قبل از روحیه و ذوق و شوق کمتری برخوردارند. با توجه به شکسته شدن دیوارهای کلاس درس و شیشه ای شدن کلاسها، تدریس معلمان و توانایی های آن ها در معرض قضاوت عمومی قرار گرفته است و این که تدریس ها در میان خانواده ها مورد نقد قرار گرفته است، جایگاه معلمان در نزد دانش آموزان نیز تا حدودی سقوط کرده و تاثیر گذاری تربیتی کاهش یافته است. که این آسیب ها از طریق راهکارهای برگزاری جلسات آموزشی ویژه ی اولیا و به کارگیری ظرفیت های انجمن اولیا و مربیان و بهره مندی از ظرفیت صدا و سیما و سایر رسانه ها بعنوان نهاد موثر و سهیم در فرایند تربیت، قابل بهبود می باشد. اگر نقش اولیا در فرایند تعلیم و تربیت دقیقاً مشخص شود و اولیا نسبت به نقش خود که فراهم سازی شرایط و امکانات در راستای تقویت آموزش های معلم است، به شکل منظم تحت آموزش قرار گیرند و از دخالت های بی مورد در امور معلم بپرهیزند و همواره تایید کننده جایگاه و شان معلم باشند. جایگاه خانه و مدرسه و نسبت این دو بایکدیگر تبیین می شود.

ج) سواد رسانه ای و حتی توانمندی های علمی و اجرایی معلمان در مواجهه با فناوری های نوین در مقایسه با دانش آموزان از رشد کمتری برخوردار بوده است. کاربرد روز افزون ابزارهای ارتباطی و شبکه های تعاملی توسط دانش آموزان، آسیب های فضای مجازی و ... و عدم آشنایی معلمان و اولیا با این فضای جدید، شکاف عمیقی در مواجهه با آینده و شرایط آن در پی خواهد داشت. در این راستا افزایش توانمندی های علمی و اجرایی معلمان در کاربرد تکنولوژی های نوین، برگزاری کارگاه های باز آموزی معلمان و تجربه گردانی در تولید محتوای الکترونیکی و آموزش ترکیبی، افزایش قابلیت های شبکه شاد از پیام رسان یکطرفه به پلت فرم تعاملی، شناسایی و تامین نیاز های دانش آموزان و مدارس و خانواده ها به سایر نرم افزارها و پیام رسان هاراهکارهای مفیدی می باشند.

د) شادابی جسم و روح معلمان در یادگیری دانش آموزان تاثیر می گذارد و انتقال روحیه نشاط و تحرک و پویایی و فعالیت به آنان از سوی معلمان صورت می گیرد. خانه نشینی معلمان و به ویژه خانم ها، توانمندی های جسمی و عاطفی آنان را تحت تاثیر قرار داده است. به طوری که عصبانیت، تکانشگری، پر خاش، زودرنجی و ضعف جسمانی و ضعف بینایی و محدودیت حرکتی بین آموزگاران مشهود است. در رفع این نواقص، برگزاری اردوهای پیاده روی، طبیعت گردی، کوه نوردی و ... به صورت مدرسه ای و منطقه ای، افزایش نقش مدیران در تقدیر از آموزگاران و عوامل اجرایی و پررنگ شدن آن در آیین نامه های مالی و اجرایی مدارس، برگزاری جشنواره های تقدیر از معلمان، معرفی ایثار گری ها، فداکاری ها و ابتکارات معلمان در ایام کرونا در رسانه ها از طریق ساخت فیلم، مستند و ... ارائه مشوق های ویژه، پیش بینی برنامه های درمانی و پزشکی ویژه، در مسیر افزایش انگیزه و روحیه و توانمندی های جسمی و روحی معلمان تاثیر مثبتی در کیفیت تربیت و یادگیری دانش آموزان در ابعاد مختلف ذهنی، هیجانی، عاطفی و جسمی دانش آموزان دارد.

۲) مدرسه پسا کرونا از حیث خانواده و اولیا

الف) اولیا در شرایط آموزش های مجازی و ترکیبی نقش مضاعفی داشتند و می بایست همسو با معلم و هم جهت با روش های تربیتی معلم گام برمی داشتند. برنامه منسجم و دپارتمان های مفید برای آموزش اولیا وجود ندارد و آموزش ها به صورت پراکنده در قالب آموزش خانواده، انجمن اولیا و مربیان، ... انجام می شود که اهداف واحدی را دنبال نمی کنند و اولیا در ابتدایی بعنوان همیاران و دستیاران معلمان به رسالت و نقش خود واقف نیستند. حال آنکه در پسا کرونا با بهره مندی بهینه از تمرین هم کناری معلم و اولیا می توان به دستاوردهای تربیتی خوبی نائل آمد.

ب) دوگانگی و عدم هماهنگی نگاه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... بین خانه و مدرسه و شکاف و فاصله گرفتن تربیت رسمی و غیر رسمی نیز مشکل دیگری است که در مدرسه پسا کرونا باید مورد مذاقه قرار گیرد و دانش آموز دچار تشتت ذهن و عقیده و نشود. همچنین از سوی اولیا احساس بی نیازی به برخی از ابعاد محتوای درسی مشاهده می شود که به روال یادگیری دانش آموزان خدشه می زند و باید اهداف حوزه های یادگیری برنامه درسی ملی و صیانت از آن نزد اولیا تبیین شود. حضور مشاوران درسی و روان شناسی در مدارس پسا کرونا ی ابتدایی بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز می باشد.

ج) حمایت بیش از اندازه از دانش آموزان در فرایند ارزشیابی توسط اولیا و مداخله های غیر ضروری، اعتماد به نفس دانش آموزان را کاهش داده است. در مسیر رفع آسیب مطروحه باز تعریف جایگاه اولیا در پسا کرونا، تقویت و تعمیق و گسترش آموزش های اولیا و تاکید بر شرایط روز و روش های جدید مداخله اولیا و تنظیم روابط و مناسبت های خانه و مدرسه و پرهیز از مداخلات و حمایت های غیر ضروری در فرایند آموزش، بازنگری در سرفصل آموزشی اولیا و اعمال نیازهای جدید، ارائه ی گواهی نامه های آموزشی، باز تعریف نقش انجمن اولیا و مربیان، پیش بینی روش های به روز و کارآمد برای پاسخ گویی به درخواست ها و سوالات موردی اولیا و رسیدگی به شکایات آنان، افزایش نقش و مشارکت اولیا در تصمیم گیری و نظارت بر اجرا، آموزش اولیا مبتنی بر تسهیل گری یادگیری و ارزشیابی و عدم مداخله های حمایتی در فرایند ارزشیابی راهگشا می باشد.

ه) عدم نظارت کافی اولیا به استفاده دانش آموزان از فضای مجازی به دلیل طولانی بودن زمان آموزش و مشغله های والدین بی اطلاعی یا بی توجهی برخی از آنان از آسیب های فضای مجازی و پابین بودن سطح سواد رسانه ای برخی از

اولیاییکی از جدی ترین مشکلات تحصیلی دانش آموزان درپساکروناست که باتدوین بسته ویژه و محتوای مناسب برای آشنایی اولیا با سواد رسانه ای و آسیب های فضای مجازی (متناسب با مدرک تحصیلی)، افزایش توانمندی های علمی و اجرایی معلمان در کاربرد تکنولوژی های نوین، برگزاری کارگاه های آموزشی و وامنیت خاطر در اولیا و مربیان و معلمان از ایمن بودن فضای آموزشی دانش آموزان در دنیای مجازی و حضوری حاصل می گردد.

۳) مدرسه پسا کرونا از حیث دانش آموزان

الف) دانش آموزان پایه اول در سال تحصیلی گذشته با افت تحصیلی مواجهه و برخی تکرار پایه شده اند که فراوانی آن در مناطق محروم تهران به شکل معناداری بیشتر است

ب) کاهش سطح سواد عمومی دانش آموزان و سطحی شدن ارزیابی ها و بازخوردها.

ج) وابستگی شدید دانش آموزان به اولیا در یادگیری و ارزشیابی معضلی است که در دوره ی پسا کرونا پیامدهای خود را نشان خواهد داد. لذا باید با اخذ راهکارهایی چون ایجاد فرصت ها و موقعیت های تربیتی فرا مدرسه ای و زمینه سازی برای کسب تجارب و مهارت های زندگی، پایبندی به کیفیت در آموزش ها، انجام ارزشیابی ها در شرایط حضوری برای شناسایی دقیق افت تحصیلی و مشکلات و ضعف های آموزشی و انجام ارزشیابی های قابل راستی آزمایی، تقویت اعتماد به نفس دانش آموزان از طریق آموزش و ارزشیابی های حضوری، اجرای طرح هایی برای ارزشیابی کیفیت آموزشی در مدارس و کلاس ها (مانند مسابقات علمی، اجرای پیش آزمون ها و ...) مشخص شدن روش هایی برای کنترل کیفیت مدارس، توجه ویژه به دانش آموزان دارای افت تحصیلی، دارای نیازهای ویژه، دیر آموز و تلفیقی و برنامه ریزی برای مداخلات به هنگام نیز بسیار واجد اهمیت می باشد.

د) افزایش آمار تارکان تحصیل مشکل غم انگیزی است که بویژه در مناطق حاشیه ای و مدارس لازم التوجه فراوانی دارد. اگر نقش مدارس (اولیا، مربیان و مدیران) در شناسایی و جذب بازماندگان از تحصیل ارتقاء یابد نقش کانون های محله از قبیل شورای اسلامی، نهاد های بهداشتی و خیریه ها در شناسایی و جذب و همکاری آن ها با مدرسه افزایش یابد روش ها و سیستم های به روز و معتبر برای رد گیری دانش آموزان خروجی از مدرسه پیش بینی شود. شرایط لازم برای پوشش دانش آموزان اتباع خارجی از طریق افزایش کلاس تمهید گردد و هماهنگی و هم سویی و جلب مشارکت شرکای آموزش و پرورش از جمله فرمانداری، بهزیستی، شهرداری و وزارت رفاه اتفاق بیفتد دانش آموزان بازمانده و تارک تحصیل شناسایی شده و با مشارکت تمامی شرکای آموزش و پرورش، شرایط تحصیل آنان فراهم می شود

ه) کم تحرکی، چاقی، ضعف بینایی، مشکلات راست قامتی و بلوغ زودرس و مواجهه دانش آموزان با طیف گسترده ای از آسیب های جسمی از مشکلات فضای مجازی می باشد. برگزاری جشنواره ها و مسابقات ورزشی درون و برون مدرسه ای با مشارکت همه دانش آموزان، اختصاص ساعاتی از حضور دانش آموزان در مدرسه به ورزش و تربیت بدنی، تسهیل در امکان استفاده از سالن ها و ... توجه به بلوغ جنسی زود رس و ارائه آموزش های لازم و تدوین بسته های آموزشی نظارت بیشتر بر رعایت دستورالعمل های بهداشتی در مدرسه از جمله پیش بینی تهویه مناسب و سیستم های گرمایشی و سرمایشی، توسعه توانمندی های جسمی و حرکتی و رشد و سلامت و ایمنی دانش آموزان راهکارهای موثر در این حوزه می باشند.

و) سلامت عاطفی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان تحت الشعاع آموزش های مجازی قرار گرفته و کم رنگ شدن تعاملات و مناسبات اجتماعی و عاطفی بین معلمان و دانش آموزان، کاهش جامعه پذیری و سطح روابط اجتماعی و افزایش گوشه گیری و انزوا و پر خاشگری و همچنین کاهش مهارت های زبانی و ارتباطی و کاهش اعتماد به نفس مشکل چشمگیری است که آینده ی اجتماعی و شهروندی را به مخاطره می اندازد. اختصاص یک روز در مدرسه به زندگی اجتماعی و تمرین تعاملات گروهی و مهارت های زندگی، برگزاری اردوهای درون و برون مدرسه ای و محلی، شرکت فعال دانش آموزان در برگزاری نمایشگاه های مدرسه ای، توسعه ی مهارت های اقتصادی و کار آفرینی در نمایشگاه های مدرسه ای و محلی، افزایش کیفیت طرح ها و برنامه های اساسی و موثر در تعاملات گروهی، سپردن مسئولیت های بیشتر به دانش آموزان در مدرسه و کلاس و فرایند یادگیری موجب شادابی و تحرک در میان دانش آموزان شده و تعاملات اجتماعی میان آن ها به شکل طبیعی رواج پیدامی کند.

و) ورود دانش آموزان به فضاهای نامناسب در فضای مجازی و عدم آگاهی دانش آموزان از آسیب های موجود در فضای مجازی و تسلط ناکافی ایشان به محتوای دیجیتالی معضلی است که باید به آن پرداخته شود.

۴) مدرسه پسا کرونا از حیث برنامه درسی

عدم تطابق زمان آموزش با محتواهای آموزشی، فاصله ارزشیابی های موجود با واقعیت ها، ضعف دانش آموزان در ابعاد مهارتی و فنی، عدم توجه به نشاط و شادابی دانش آموزان در تدریس محتوای درسی، کاهش استفاده از تکالیف مهارت محور از جمله آسیبها در حیطه برنامه درسی می باشد. در ایام ترکیبی و یادگیری سیار، کمبود وقت، محدودیت زمان در آموزش مجازی و مستند سازی و گزارش سازی بر اجرای با کیفیت طرح ها غلبه کرد که این آسیب هم مزید بر علت شد. آنچه که بیش از همه با فراوانی از سوی معلمان مطرح می شود این است که اگرچه در دوره ی کرونا و رونق آموزشهای مجازی سبک و شیوه ی آموزش تغییر کرد اما در حجم محتوای قابل تدریس هیچ تغییری ایجاد نشد که فرایند یادگیری سیار را با آسیب مواجه نمود. لذا تخصیص یکی دو ماه اول از سال تحصیلی به مرور و تثبیت آموخته های سال قبل روش موثری در رساندن بچه ها به درک و فهم مضامین کتب درسی می باشد. مهم تر از همه صیانت از برنامه درسی وعدم تخصیص ساعت یک درس به درس دیگر بابت جبران عقب ماندگی درسی، در دوره پسا کروناست.

استفاده حداکثری از امکانات موجود برای یادگیری اثر بخش و با کیفیت، لزوم تلفیق برنامه های درسی، تنظیم شیوه های خود ارزیابی و توسعه آن، افزایش خودکنترلی در سطح مدارس و کلاس ها، پرهیز از تربیت یک بعدی و توجه به رشد همه جانبه و تربیت تمام ساحتی از طریق توجه به درس هنر، فعالیت های جسمی و حرکتی، مهارت آموزی مبتنی بر آموزه های درسی و توجه به هویت یابی دانش آموزان در گذر از برنامه درسی، پایبندی به کیفیت در اجرای طرح و برنامه های ابتدایی، تبیین نقش گروههای آموزشی و راهبران در نظارت و حمایت بالینی راهکارهای پرکاربرد هستند. تعدیل در طرح و برنامه های تجویزی از حوزه ستاد، پیش بینی فعالیت هایی برای ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، گسترش مطالعات تطبیقی برای تجربه گردانی و استفاده از دستاورد های بین المللی در فراهم کردن زمینه اجرای متناسب برنامه های درسی مدارس ابتدایی و افزایش سهم نهادهای برون سازمانی و رسانه ها در حمایت از برنامه های درسی - تربیتی مدارس شایان ذکر می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

چون نگاه قالب این مقاله به مشکلات در آموزش از طریق فضای مجازی و استفاده از فناوری در دوره کروناست و وجه غالب کرونا استفاده از تکنولوژی و فناوری فضای مجازی بود لذا از منظر این پژوهش، در مدرسه پسا کرونا اولین اولویت در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها نیز همین نحوه استفاده بهینه تکنولوژی در رونق کیفیت آموزشی مدنظر است چراکه دانش آموزان به استفاده از آن در یادگیری عادت کرده و به نوعی وابسته شده اند و مصادره به مطلوب این رویداد به پیشرفت مدرسه پسا کرونا کمک می کند و همه مولفه های برشماری شده در این مقاله را پوشش می دهد. دانش آموزان دوره ی ابتدایی کودکان نسل Z و دیجیتال مادرزادی هستند و تکنولوژی و فناوری با زندگی ایشان عجین است و چه کرونا باشد و چه نباشد و چه یادگیری به سبک سیار و چه روش های حضوری پیش برود، ایجاد تسلط در دانش آموزان توسط مولفه های مطروحه در این مقاله (معلم، اولیا، مدرسه، برنامه درسی، شرکای برون سازمانی و ...) برای اینکه در آینده شهروندانی دیجیتالی شایسته باشند یک ضرورت است. فناوری اکنون که تبعات آن دنیا را درنور دیده است تنها موضوعی فنی و ابزاری نیست و از نگاه صاحب نظران تعلیم و تربیت فناوری علاوه بر ماهیت فنی یک نگاه و نگرش است (سرکار آرائی، ۱۳۹۶) لذا آموزش با استفاده توأم از فضای مجازی در پسا کرونا اگر آمیخته به تربیت نباشد مشکلات عدیده ای که بخشی از آن در این مقاله مطرح شد بروز می کند که آینده و پیشرفت دانش آموزان را به مخاطره می اندازد. لذا پژوهشگر این مقاله که واجد دانش و تجربه شغلی و حرفه ای در این عرصه نیز می باشد با بهره گیری از تجربه ی زیسته معلمان، مدیران و کارشناسان دوره ی ابتدایی و به روش دلفی و گردآوری مکتوبات و تجزیه و تحلیل مفاد مطروحه و بارش مغزی به احصا مشکلات دوران آموزش مجازی پرداخت تا راهکارهای منعطف و قابل اجرا را جهت حل مسائل یافته و دانش آموزان را برای پسا کرونا آماده کنند.

محتوای این پژوهش کاملاً هم راستا با پژوهش های پیشین در این زمینه و چه بسا کامل کننده ی آنهاست چون این تحقیق علاوه بر اینکه بابت بهره گیری از پیشنهادات سایر پژوهشگران گردآوری شده اتفاقات و مشکلاتی را مطرح می کند که جامعه ی هدف این مقاله کاملاً لمس و تجربه کرده و با این دست اندازه ها و چالش ها دست و پنجه نرم کرده و آن را توصیف نموده اند. در تکمیل این مقاله، پژوهشگران به پژوهشگران دیگر پیشنهاد می دهد با دیدگاه کاملاً تخصصی تاثیر فناوری بر هویت دانش آموزان را مورد بررسی قرار دهند که هنوز مبهم است و اهمیت این موضوع برهیچکس پوشیده نیست. از آنجاییکه در پسا کرونا بحث « هویت بخشی به دانش آموزان » بازاندیشی ویژه ای را می طلبد (شمشیری، ۱۳۹۶) و استفاده ویژه از فناوری در دوره کرونا تاثیر بسزایی بر این مقوله داشته است و اگر در مسیر درست هدایت شود بعنوان ابزاری موثر در تقویت هویت فردی و جمعی دانش آموزان مطرح است و اگر به بیراهه رود موجب گسست هویتی در دانش آموزان می شود مطالعه در این حوزه مورد پیشنهاد و البته ضروریست.

منابع

- سرکار آرائی، محمدرضا (۱۳۹۶). در تمنای یادگیری. تهران: افست
- شامی زنجانی، مهدی (۱۳۹۹). ناخدایی دیجیتال. تهران: آریانا قلم
- شمشیری، بابک (۱۳۹۶). هویت و تعلیم و تربیت از نظریه تا عمل. شیراز: دانشگاه شیراز
- مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- هپینگ، دانیل، امیررحیمی، رضا (۱۳۹۸). ذهن کامل نو. تهران: آگاه